

پژوهشی حد رجم یا حکم سنگسار در اسلام

- 1- مقدمه:
- 2- چرا واکوی وباز نگری؟
- 3- آیا مجازات سنگسار زانی یک حکم اتفاقی است یا اختلافی؟
- 4- مبحث اول حکم مجازات سنگسار زانی وزانیه.
- 5- معانی رجم. واحصان
- 6- توضیح مفنی ومفهوم رجم.
- 7- احسان چیست ومحسن ومحصنه کیست؟
- 8- مبحث دوم دیدگاه حامیان مجازات سنگسار.
- 9- دلائل اثبات حد رجم از نشر موافقان مجازات سنگسار.
- 10- مبحث دوم مخالفان مجازات سنگسار.
- 11- نام برخی دانشمندان مخالف سنگسار.
- 12- معنی ومفهوم رجم واحصان از دیدگاه مخالفین مجازات سنگسار.
- 13- دکتور شقیطی وملا حظات آن.
- 14- معنی رجم از دید مخالفین مجازات سنگسار.
- 15- کار برد واژه رجم در آیات قرآن.
- 16- معنی ومفهوم احصان از دید مخالفان مجازات سنگسار.
- 17- نقد ونظر
- 18- نا ساز گاری مجازات سنگسار با حکم آیات صریح قرآن
- 19- نا ساز گاری رجم با سنت پیامبر اسلام ص.
- 20- مبحث چهارم مقایسه دیدگا ها ونتیجه گیری.

مقدمه:

درین نوشته تحقیقی وپژوهشی، حد رجم را تعریف، دلائل، شرائط وامکانات اثبات وعملی شدن این حد شرعی را مورد پژوهش وبررسی قرار میدهیم. مسلمانان درعصر حاضر به وا کاوی وبازنگری پاره از احکام شرعی که از رهگذر مستندات ودلائل اثبات مبهم ومورد اختلاف اند نیاز شدید است، زیرا در دوام تاریخ از اثرآرایش وپیرایش احکام دین توسط برخی مفتیان در باری وپیروان نا آگاه قسمتی از احکام شرعی ما هیت عوض کرده وبرخی احکام ومناسک دین با ذوق وسلیقه وخواستههای انسانی آلوده گردیده گاهی فرض در سیمای مستحب، جائز در حکم واجب ویا یک امر مباح بجای فرض استاده است. آنچه در ادامه می آید تحقیق و پژوهش مفصلی است پیرامون حکم رجم ویا سنگسار در اسلام و اینکه رجم چه معنی دارد، ریشه آن از لحاظ تاریخی از سر چشمه کدام یکی ازادیان ومذاهب آب میخورد، لذا این پژوهش آزاد بدون در نظر

داشت مصلحت حکام، خلفاء، أمراء، و تقدس خشک به گذشتگان بنام خلیفه و مجتهدین صورت میگیرد. لذا این واکاوی بر بنیاد نصوص روشن قرآن و حدیث، منطق سالم و در خور عقل استوار خواهد بود مخالفت کردن و رائی مغایر نظر دیگران دادن و حتی نقد کردن اجتهاد گذشتگان گناه نیست چه بسا اجتهادها با خواست، نظر و غرض حکام وقت آلوده است.

چرا واکاوی بازنگری؟

منی نویسنده با ملاحظه آیات قرآن عکس العمل پیامبر اسلام در مورد جاری ساختن حکم رجم در اسلام و مشروعیت آن شک کرده ام لذا لازم دانستم آیات و روایات و مفاهیم شانرا دوباره در فضای آزاد بدون فشار حاکم و مجتهد بازنگری و یافته های خود را با مسلمانان شریک سازم. تا جائیکه ملاحظه میشود در دوام تاریخ خلفاً و حکام مفتی خاص بنام مفتی در بار داشته اند تا اعمال و کردار حاکم را با حنای دین رنگین و وجوب آنرا بر دیگران تحمیل کنند. نویسنده مطلب تحقیقی فعلی پیرامون حکم رجم در اسلام به این باور است که مسائل نظری، فقهی و اجتهادی از هر نوع که باشد باید براساس مبانی و ادله شرعی بازنگری و غبار دست برد حاکمان از چهره احکام برداشته شود. نظر مخالف در مسائل نظری یک امر طبیعی بوده باید به صورت آزادانه مطرح گردد؛ زیرا درک حقایق، اصلاح اندیشه ها و نظریات، از راه بحث های علمی، تبادل افکار و تفاهم کامل میسر میگردد نه تقدس خشک پیشوایان مذهبی و یا ترس از خشم حاکم.

از آنجا ئیکه قرآن کتاب زمانه هاست باید هدایات و احکام آن پاسخگوی نیازهای روز و روشنگر زوایای تاریک همه ابعاد حیات اجتماعی، سیاسی و اعتقادی افراد جامعه باشد. مثلاً وقتی از حکم نماز قصر در سفر و شرائط آن صحبت میکنیم باید تفاوت اجتهاد آن زمان را که با قدم شتر سنجیده میشد و اجتهاد این زمان که با بلندی و سرعت طیاره و موشک به سنجش گرفته میشود یک مقایسه داشته باشیم. این تحقیق اگر با نقد گذشتگان همراه است معنی اش نقد بزرگان دین نیست بلکه سره کردن روایات و نجات آن از دست برد آرزوها و خواسته های حاکمان مستبد، زور مندان، زر مداران و احبار و رهبان است. هر چند حاکمان حد رجم به این باور اند که دشمنان اسلام با استناد به برخی آیات منکر حد رجم اند. باید عرض کرد که دشمنان دین از آیات قرآن استمداد نمی جویند این بر چسپ چقدر زنده است دشمنان اسلام با تمسک به آیات؛ مگر دشمنان اسلام آیات را برسمیت می شناسند؟ خوب اگر منکرین یا مخالفین حد رجم به آیات صریح تمسک جسته باشند باید مورد ارج و احترام باشند. در حالیکه حاکمان و موافقین مشروعیت سنگسار از شان نزول آیه و حدیث فعلی پیامبر آنهم در حق یهودان و روایت واحد حضرت عمر رض استفاده میکنند. که در ادامه تحقیق بیشتر مورد تحلیل و تحقیق قرار میگیرد.

آیا حد رجم یک حکم اتفاقی است یا اختلافی؟

هر چند اغلب مجتهدین و علمای اسلام در مسیر تاریخ شعار سنگسار را با شرائط سخت و غیر محتمل آن به دیگران نقل کرده اند امکا این حکم برای همیشه از مباحث پیچیده و اختلافی است که درباره جزئیات آن اختلاف نظر فراوانی میان مکتبهای فقهی سنی و شیعی وجود دارد. ولی در قرآن کریم من حیث نخستین منبع شریعت هیچ آیه و حکمی بنام رجم زانی و زانیه وجود ندارد.

. حکم رجم یا سنگسار از همان ابتدا به خاطر ادعای وجود تناقض با آیات قرآن، مورد مخالفت شماری از فقیهان سرآمد روزگار بوده، امام شافعی متوفای ۲۰۴هـ در کتاب «الأمم» به این مخالفتها اشاره کرده است و می

گوید: برخی در حکم سنگسار تردید کرده و گفته اند که مرد یا زن زناکار سنگسار نمی‌شود، چون در قرآن آیات صریح وجود دارد که مجازات زانی وزانیه را بعد از اثبات صد دره و یا هم حبس در خانه تعیین کرده است. هیچ آیه روشنی بخاطر رجم وجود ندارد. که بعداً بطور مفصل ذکر میشود. خوب اگر باور ما این باشد که در قرآن آیات روشن و صریح بخاطر اثبات حد زنا بنام جلد و حبس وجود دارد چرا بخاطر مصلحت و قدسیت شخصیت‌های بعد از پیامبر اسلام از تحقیق و تفحص درین زمینه کوتاهی کنیم. همین اختلاف دیدگاه مجتهدین و واقعیت‌های تاریخی ما را و میدارد تا این موضوع را از منظر منطق و واقعیت‌ها و نیازهای روز زیر ذره بین بگیریم. به بینم جزم در عقیده باعث شده تا با در نظر داشت شئونات حاکم بر جامعه صدر اسلام که با رسوبات فرهنگی یهود و شرک آمیخته بود حد رجم اجرا شده و یا واقعا حکم قطعی درین زمینه وجود دارد.

مبحث اول حکم سنگسار در مجازات زنا:

موضوع مورد بحث حکم و یا حد رجم و سنگسار است که در عصر حاضر که بحث حقوق بشر و مبارزه علیه خشونت شعار جامعه مدنی و خوراک رسانه‌ها است با داشتن موافقین و مخالفین بحث برانگیز شده، بر حسب پندار و یافته‌های دینی برخی فقها و پیروان‌شان، سنگسار یا رجم حد شرعی زنا محصنه است، که در خصوص مرد و زن زناکار تحت شرایط خاص احسان اعمال می‌شود. برای اجرای حکم مجازات زنا نزد بسیاری از فقها و مجتهدین تشیع و تسنن رجم و یا سنگسار پیشبینی شده است. سنگساری که به معنی کشتن توسط پرتاب سنگ بر زانی و زانیه باشد. در مورد اینکه رجم از حدود شرعی است در اوائل کمتر و در اواخر یا عصر حاضر ایرادها و ملاحظات بیشتری از طرف برخی دانشمندان و محققین مطرح شده و باور بر این است که مسلمانان درین مورد تحقیق لازم انجام نداده‌اند. درین مبحث بعد از تعریف و تحلیل واژه‌های رجم و احسان نظریه‌ها و طرف موافق و مخالف حد رجم را به تحلیل و بررسی نشسته و به ترازوی اسناد، عقل و منطق سبک و سنگین میکنیم. نخست لازم است معنی و مفهوم واژه‌های مرتبط چون رجم و احسان را هم بفهمیم.

نگاهی به مفهوم رجم و احسان.

اول رجم: رجم در فرهنگ فارسی معین سه معنی دارد 1- سنگسار کردن. 2- دشنام دادن. 3- طرد کردن، راندن

درفرنگ فارسی عمید هم سه معنی دارد. 1. (فقه) سنگسار کردن همسر داری که مرتکب زنا شده. 2- سنگ زدن. 3- فحش دادن؛ دشنام دادن.

اصطلاحاً و یا معنی شرعی رجم: سنگسار یک مجازات شرعی می‌باشد که از طریق پرتاب سنگ بر مجرم طی مراسم خاصی صورت می‌گیرد. این مجازات یک نوع کیفر و مجازات شرعی است که طبق شرایط بر زناکار محسن و محصنه اعمال می‌شود.

از آنجا نیکه شرط اساسی و ذاتی تطبیق حکم رجم بر مرتکبین عمل زنا از طرف فقها (محسن و محصنه) بودن مرد و زن یعنی زن دار، آزاد، عقیف از متن آیه‌های قرآن پنداشته شده و در مورد معنی و مفهوم احسان نزد فقها و مجتهدین و زبان شناسان اختلافات زیاد وجود دارد بهتر است قبل از وارد شدن به عمق قضیه به مفهوم محسن و محصنه نیز آشنائی پیدا کنیم.

احسان چیست ؟ محسن و محصنه کیست؟

محصنة. در فر هنگ عمید . محصنه زن پارسا. (منتهی الارب). زن عقیفه و باحیا. (ناظم الاطباء).
محصنة. دارای بازوی استوار. دیوار استوار به گرد کشیده محکم . قلعه حصین : لایقائونکم جمیعاً الا فی
قری محصنة او من...)
محصنه یعنی زن شوهرکرده : امراءة محصنة. (منتهی الارب) زن باردار شده. زن آزاد و شوهر دار (ناظم
الاطباء). (زن پارسا. (زمخشری)..
در اصطلاح فقهاء محسن و محصنه به مرد وزن متزوج و متأهل گفته میشود. محصنه زن بالغ و عاقلی است
که در عقد نکاح مرد باشد.

مبحث دوم تعریف رجم از دیدگاه حاکم میان مجازات سنگسار

حالا که از درک مفهوم واژه ها فارغ شده ایم به تعریف حد رجم می پردازیم . در نزد طرفداران و حاکم میان مجازات
سنگسار رجم یعنی سنگسار شخص زانی به قصد کشتن و معنی محصنه و محسن به معنی متأهل یا زن دار
و شوهر دار تعبیر شده است. بناءً معنی طرد و دور کردن در رجم و معنی عقیف و پاکدامن و یا مصئونیت در تعریف
محسن و محصنه که در ترجمه قبلی بکار رفته بود اینجا محل اعراب ندارد. لذا رجم را چنین تعریف کرده اند.
رجم در لغت به معنای زدن یک انسان محکوم با سنگ به قصد کشتن است. به عقیده این گروه در قرآن
کلمه رجم فقط به معنای کشتن آمده است. چون در گذشته رسم بر این بود که هر مردی را که می خواستند
بکشند او را با سنگ می زدند و می کشتند و لذا به مرور زمان به هرگونه قتلی رجم یعنی سنگسار گفته
شده.

در اصطلاح فقها رجم مجازات زنا است یعنی آن حکم شرعی را گویند که اگر مرد و یا زن همسر دار
(محسن و محصنه) زنا کردند به اساس اقرار و یا شاهد جرم شان ثابت شد باید آنان را به صورت سنگسار
نمودن (رجم) بکشند. یعنی آنقدر به آنان سنگ بزنند که تا کشته شوند و این از اطلاق کلمه رجم استنباط
شده.

دلایل اثبات حد رجم از نظر موافقان:

آنچه از فقها و مجتهدین که بر فرضیت حکم رجم تا کید دارند منبع مشروعیت ادعای شان قسماً به تجارب
تاریخی و برخی روایت های بر میگردد که از زمان پیامبر اسلام و خلفای راشدین بیاد گار مانده و مدعی اند که
این حد در چند مورد معدود توسط رسول خدا ، خلفای راشدین چون حضرت عمر و حضرت علی بر اثر ادعا و فشار
خود زانی ها انجام یافته ، درین بخش به ذکر دلایل اثبات مجازات از طرف حامیان مشروعیت حد رجم در
مجازات زنا محسن و محصنه می پردازیم.

1- دلیل اول حدیث فعلی پیامبر اسلام : در روایات آمده که پیامبر اسلام دو نفر یهودی و نیز شخصی به نام
ماعز و زنی به نام غامدیه (از قبیله بنی غامد) را سنگسار نمود تا اینکه مردند. و متن این حدیث قرار ذیل
است.

قال ابوهریره رضی الله عنه جاء ماعز بن مالک إلى النبی (ص) فقال إني زنیت فاعرض عنه ، ثم قال إني زنیت
فاعرض عنه ، ثم قال إني زنیت فاعرض عنه حتى أقر أربع مرات فأمر به أن یرجم

فلما أصابته الحجارة أدبر يشند فلقيه رجل بيده لحي جمل فضربه فصرعه فذكر للنبي (ص) فراره حين مسته الحجارة قال فهل لا تركتموه؟"

ترجمه: ابوهريه می‌گوید ماعز بن مالک خدمت پیامبر (ص) رسید و به او گفت من زنا کردم؛ پیامبر ص از او روی گرداند. باز گفت من زنا کردم؛ دوباره از او روی گرداند. سپس تکرار کرد؛ این بار هم پیامبر از او روی گردانید. او پس از این که چهار مرتبه اقرار به زنا کرد، پیامبر دستور رجم او را صادر کرد و او را **سنگسار** نمود. همین که مورد اصابت سنگ‌ها قرار گرفت، پشت کرد و پا به فرار گذاشت. فردی که استخوان شتری را در دست داشت، پس از آن که به او رسید آن را بر او کوبید و مرد. جریان را به پیامبر (ص) خبر دادند. حضرت فرمود چرا او را رها نکردید؟ یعنی وقتیکه فرار کرده بود دیگه تعقیب کردن لازم نبود.

مانند این خبر را عبدالله بن بریده از پدرش روایت کرده است، تنها فرقی که با این خبر دارد، این است که رسول خدا (ص) در این خبر از قوم و خویشان ماعز درباره عقلش پرسید، آنها به عقل او شهادت دادند و وقتی که ثابت شد او عاقل بوده، پیامبر دستور رجم وی را دادند.

اول: آیت که در قرآن نیست : روایت فقها از عمر فاروق خلیفه دوم اسلام مبنی بر اینکه یک آیت هست

که همه فراموش کرده اند . در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است که عمر فاروق گفت: " (فان آية الرجم ثابتة كما في البخاري عن عمر قال : إن الله بعث محمدا صلى الله عليه وسلم بالحق، وأنزل عليه الكتاب، فكان مما أنزل الله آية الرجم، فقرأناها وعقلناها ووعيناها، رجم رسول الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده، فأخشي إن طال بالناس زمان، أن يقول قائل: والله ما نجد آية الرجم في كتاب الله، فيضلوا بترك فريضة أنزلها الله، والرجم في كتاب الله حق على من زنى إذا أحسن من الرجال والنساء، إذا قامت البينة، أو كان الحمل، أو الاعتراف. كما في سنن ابن ماجه : عن ابن عباس قال: قال عمر بن الخطاب : لقد خشيت أن يطول بالناس زمان حتى يقول قائل: ما أجد الرجم في كتاب الله، فيضلوا بترك فريضة من فرائض الله وقد قرأتها: الشيخ والشيخة إذا زنيا فارجموهما البتة، رجم رسول الله صلى الله عليه وسلم، ورجمنا بعده .والحديث صحيحه **الألباني** .

ترجمه: خداوند ج حضرت محمد ص را بحق فرستاد وقرآن را بر وی نازل کرد از جمله آيات که بروی نازل شده یکی آیه رجم است پس ما آنرا خواندیم و فهمیدیم و درک کردیم و پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا انجام داد و ما نیز بعد از او انجام دادیم، و من میترسم پس از مدت زمانی کسی بگوید: قسم به خدا که آیه رجم را در قرآن نمی‌بینیم، و سپس با ترک کردن این فريضة گمراه میشوند، و رجم در کتاب خدا واجب است بر محصن (کسی که ازدواج و جماع کرده باشد) زن و مرد، اگر دلیل اثبات شود، و یا زن حامله شود، و یا کسی اعتراف کند."

و در روایت ابوداود (آمده است که سپس گفت: قسم به خدا، اگر ترس این نبودی که مردم بگویند (عمر قرآن را اضافه کرده است آیه رجم را در قرآن مینوشتم)) و امام بخاری در کتاب "احکام" بصورت تعلیق (یعنی بدون سند) روایت کرده است که سپس عمر گفت: "اگر بجز این نبود که مردم بگویند عمر قرآن را اضافه کرد، آیه رجم را با دستم مینوشتم..

دوم: یکی از دلائل اثبات حد رجم روایت ابی بن کعب یکی از کاتبان وحی است که چنین گفته (وعن أبي بن كعب - رضي الله عنه - قال : كانت سورة الأحزاب توازي سورة البقرة، فكان فيها: الشيخ والشيخة إذا زنيا، فارجموهما البتة .رواه ابن حبان وصححه الألباني.

ترجمه: سوره احزاب مانند سوره بقره طولانی بود. در بین آن سوره همین کلیمات بود. که هرگاه مرد وزن پیر زنا کردند بعد از اثبات سنگسار شوند. روایت از حیان وصحه گذاشته بر آن البانی

سوم: استفاده از شأن نزول آیه 43 سوره ما ئده: وَ كَيْفَ نَحْكُمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ تَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

تفسیر نمونه: این آیه بحث درباره یهود را در مورد داوری خواستن از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در آیه قبل آمده بود تعقیب می کند و از روی تعجب می گوید: چگونه اینها ترا به داوری می طلبند در حالی که تورات نزد آنها است و حکم خدا در آن آمده است. (و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله) باید دانست که حکم مزبور یعنی (حکم سنگسار کردن زن و مردی که زنا می کنند) در تورات کنونی در فصل بیست و دوم از سفر تثبیه آمده است. تعجب از این است که آنها تورات را یک کتاب منسوخ نمی دانند، و آئین اسلام را باطل می شمرند با این حال چون احکام تورات موافق امیالشان نیست آن را رها کرده و به سراغ حکمی می روند که از نظر اصولی با آن موافق نیستند. و از آن عجبتز اینکه بعد از انتخاب تو برای داوری، حکم تو را که موافق حکم تورات است چون بر خلاف میل آنها است نمی پذیرند. ثم یتولون من بعد ذلک. (حقیقت این است که آنها اصولاً ایمان ندارند و گر نه با احکام خدا چنین بازی نمی کردند). و ما اولئک بالموءمنین.

حامیان حد رجم میگویند رجم 2400 سال قبل از میلاد رائج بوده و در ادیان ابرهیمی خصوصاً یهودیت نیز تطبیق میشده و در شریعت اسلام از ده ها روایت فقهی استمداد جسته اند که قوی ترین شان همین سه مورد است. یعنی حدیث فعلی پیامبر ص روایت عمر فاروق و استناد به شان نزول آیت که این حکم در تورات بوده و در شریعت اسلام نیز قابل تطبیق میباشد.

مبحث سوم مخالفین حد رجم :

به نظر مخالفین سنگسار از سنت‌های زشت و به یادگار مانده از قوم یهود است که در اوائل پیامبر اسلام من حیث بزرگ مدینه بر خلاف میل و علاقه بالای یک ویا دو نفر براساس خواست و اصرار خود شان که به احکام یهودیت باور داشتند تطبیق کرد و بعداً خلیفه دوم بخاطر توجیه روش سختگیرانه اول عمل پیامبر ص را حدیث فعلی خواند و بعد گفت یک آیت از قرآن مانده که میخواهم آنرا شامل قرآن سازم اما واقعیت این است که حدیث فعلی پیامبر با نزول آیه دوم سوره نور که حکم صریح در مورد زانی و زانیه است دیگر مورد ندارد و رجم هم ربطی به اسلام ناب محمدی ندارد. پیغمبر اسلام هم به اساس احکام و آموزه های اسلام حکم رجم را تطبیق نکرده بلکه مطابق شرایط آنزمان که فرهنگ یهودیت در یشرب حاکم بود بر یهودیان تطبیق کرده هیچ وقت بر اجرای آن حکم نکرده است. به همین دلیل بسیاری از آموختگان الازهر، سنگسار را سنتی تلمودی دانسته و جایگاهی در تشریحات اسلامی برای آن قائل نیستند. لازم است که نام برخی از دانشمندان و پژوهشگران مخالف رجم را که بیشتر متاخرین اند درین مقال یاد آور شوم. دا نشمندان کشور مسلمان که مخالف حکم رجم اند.

1- امام شافعی از فقهای اهل سنت، متوفای ۲۰۴ هـ در کتاب «الأم» و «جماع العلم» به این مخالفتها اشاره می کند: «نَصَّ بَعْضُ النَّاسِ عِلْمَاءَ عَلَيَّ أَنْ لَا رَجْمَ عَلَيَّ زَانٍ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى {الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ} [النور].

2- محمد ابو زهره: برای اولین بار در سال 1972 لیبیا یکی از فقهای جامعه الازهر مصر بنام محمد ابو زهره در پیشگاه صد ها عالم ودانشمند ومجتهد بطور اشکارا اعلان کرد که شخصا از حکم رجم منکر هستم که با عکس العمل برخی فقها مواجه شد.ازان جمله شیخ فوآد عبدالولی فقیه یمنی بود گفت رجم یک سنت فعلی مؤکده است که از فعل پیامبرص وخلفا ثابت است و قابل بحث وباز نگری نیست.وبه داستان ماعز بن مالک وروایت عمر فاروق اشاره کرد که قبلا یاد آوری شد.

3- از میان دانشمندان آهل سنت احمد صبحی منصور، استاد سابق دانشگاه الازهر، سنگسار را مخالف اسلام می‌داند و معتقد است که چنین تشریحی حتی در تورات حقیقی هم وجود نداشته‌است].

4- فقیه معاصر، طه جابر العلوانی، رئیس پیشین مرکز جهانی اندیشه اسلامی نیز با حکم سنگسار مخالف است.

5- حسن ترابی، فقیه سودانی و از رهبران اخوان المسلمین سودان، نیز سنگسار را عقوبتی غیر اسلامی می‌داند]

6- مصطفی الزلمی، فقیه کرد عراقی از دیگر دانش‌آموختگان الازهر و استاد دانشگاه بغداد، در تحقیقی مفصل به اثبات غیر اسلامی بودن حکم سنگسار دست یازیده‌است].

7- محمد الشحرور، قرآن‌شناس سوریا ئی هم معتقد است که حکم سنگسار از تحریفات یهودیان یثرب بوده که به تدریج وارد فقه مسلمانان شد].۴۷ [شحرور معتقد است که سنگسار خیلی قبل‌تر از شریعت اسلام توسط عیسی نسخ شد].۴۸ [الشحرور در فصل دوم کتاب «فقه المرأة» سنگسار را مخالف نصوص قرآنی مربوط به زنا می‌داند].۴۹.

8- برخی از فقیهان سنی ایران مانند احمد مفتی‌زاده و ناصر سبحانی منکر سنگسار بودند. جمال البنا]۵۰ [و ابوزهره]۵۱ [هم از دیگر مخالفان حکم سنگسار در میان اهل سنت می‌باشند.

9- نصر حامد ابوزید قرآن‌شناس مصری در کتاب (دوائر الخوف ص ۱۹۲) درباره اینکه مجازات سنگسار جزء تشریعات اسلام باشد تردید کرده‌است.

10- عبدالله العلالی از فقیهان اهل سنت لبنان نیز در اواخر عمر این حکم را خارج از تشریعات اسلام و در تضاد با قرآن معرفی کرد (أین الخطأ ص ۸۰ - دارالجدید) شیخ عبدالله العلالی معتقد است که تنها مستمسک موافقان سنگسار، احادیثی است که از درجه حسن عبور نکرده‌اند. او درباره حدیث رجم ماعز می‌نویسد: «این حدیث با عبارت (طهرنی یا رسول‌الله!) مرا تطهیر کن!) وارد شده. این نوع استعمال سخن، از تعبیرات اسلامی نبوده بلکه در میان ملل سابق شناخته شده بود» (أین الخطأ ص ۸۱)...

دکتور شقیطی وملا حظات آن :

دکتور شقیطی: محمد بن مختار شقیطی موریتانیایی تبار و مقیم دوحه ی قطر است. وی که دانشنامه ی رشته های فقه، اصول، مدیریت و مترجمی زبان های عربی، انگلیسی و فرانسوی را در کارنامه ی آموزشی و علمی خود دارد، دکترای ادیان را از دانشگاه تگزاس گرفته و هم اکنون استاد تاریخ ادیان دانشکده پژوهش های اسلامی دوحه و رییس دپارتمان حقوق و اخلاق قطر است ملاحظات ذیل را در مورد حکم سنگسار بر جسته ساخته.

1. **اول** : مجازات سنگسار از جمله دغدغه های بزرگ فقهی در تاریخ اندیشه ی اسلامی است که بارزترین نمونه آن نادیده گرفتن محکمت قرآنی و پیروی از روایات و اخبار مضطرب است.

2. مجازات زنا در قرآن کریم دربین سه گونه مجازات متغیر است.

3. الف) تازیانه یا دره زن و مرد زناکار؛ چنان که می فرماید: "فاجلدوا کل واحد منهما آیه 2 سوره نور ب) خانه نشین کردن اجباری زنان زناکار؛ چنان که می فرماید: "فامسکوهن فی البیوت" آیه 15 و 16 سوره نساء.

4. ج) تنبیه مرد زناکار؛ چنان که می فرماید: "فادوهما) مجازات های (قرآنی) چون خانه نشین کردن زنان و تنبیه مردان زناکار توسط فقیهان بدون دلیل روشن منسوخ و کنار گذاشته شده باید توضیح داده شود که حکم این آیات چگونه گذار شده. مجازات سنگسار با روح و جوهر متن قرآن در تضاد است. اگر سنگسار را حکم شرعی برای مجازات حد زنا بدانیم در صورت آیات که مجازات زانی را دره و یا حبس خانه حکم کرده است ما هیت خود را از دست میدهند. در حقیقت به صورتی ضمنی به تحریف قرآن حکم شده است و مفاد غالب روایات و اخبار سنگسار مفید چنین چیزی است.

5. : نمونه دیگر این که عمر رض میگوید: اگر بیم آن را نداشتیم که مردمان بگویند عمر چیزی بر قرآن افزوده است، آیه سنگسار را با دستان خویش در آن می نگاشتم! شاید کسا نیکه پیش روی شان حاضر بودند گفته باشند احسن یا خلیفه اسلام اما حالا که خلیفه نیست وسایه ترس دره عمری از سر ما دور است، میگوئیم خیلی جسارت خطر ناک است که کسی بعد از پیامبر ص ادعا کند که دلم میخواهد این را در قرآن اضافه کنم. اما از ترس طعنه مردم اضافه نمیکنم. حالا اگر از اضافه کردن لفظ ملاحظه میشود چرا در تطبیق حکم بدون دلیل و لفظ ملاحظه نمیشود؟ اگر لفظ آنرا در قرآن نوشته اند حکم آنرا عملی کرده که قابل ملاحظه است. راستی چگونه ممکن است چیزی که بنام قرآن از زبان پیامبر اسلام شنیده نشده. در زمان ابوبکر صدیق هم در موردش بحث نشده اما در زمان خلیفه دوم به حکمش من حیث آیت قرآن فراموش شده عملی میشود؟ و یا اینکه به روایت اتکا شود که عائشه رض گفته همین آیه بوده ولی از خانه ما گم شده < چرا عائشه رض این موضوع را به پدر خودش نگفت که خلیفه اول بود ولی در وقت خلیفه دوم گفته. و چرا بعد از حضرت عمر فاروق که قرآن توسط حضرت عثمان جمع و تدوین میشد این آیه را ضمیمه قرآن نکردند؟

6. : روایت رجم به این دلیل مضطرب وقابل مکث است که کیفر زنا محصنه را زدن سنگ تا سیر حد مرگ قرار داده است در حالی که قرآن کیفر زن غیر محصنه را نصف قرار داده است، آیا می توان مرگ را نصف کرد و یا سنگ هارا حساب کرد؟! پس به درستی فهمیده میشود مجازات زانی باید حدی باشد که قابل محاسبه و تقسیم باشد.

7. : ماجرای غامدیه مشحون از تناقض و غموض است. نخستین آن تضارب روایات مبنی بر این که زن مرجومه غامدیه بوده یا جهنی! و آیا این دو یکی هستند یا دو ماجرای متفاوت از یکدیگر اند این هم مغشوش و مشکوک است

8. . علامه جوزقانی در کتاب "الاباطیل و المناکیر" در روایت داجن که به روایت از ام المومنین عایشه وارد شده است، طعن زده و آن را روایتی باطل قلمداد نموده است چگونه ممکن است آیه قرآن به صدر و سینه حافظان و کاتبان قرآن نباشد و در یک روایت گفته شود که کبوتر و یا مرغ آنرا خورد این درست نیست. چون مغایر مفهوم آیه (إنا نحن نزلنا الذکر وإنا له لحافظون) است

9. : هر گاه کسی کمترین ذوقی در زبان و ادبیات عربی داشته باشد و آیه ی قرآن را خوانده باشد که بعد از فرضیت تازیانه می گوید "ولاتاخذکم بهما رافه" می داند که شلاق به اندازه کافی مجازات شدیدی است و مجازات سنگین تری برای زنا وجود ندارد. که خداوند ج میفرماید از اثر این شدت کدام ملا یمت و ترجم در دل شما ایجاد نشود.

10. : بسیاری از مقلدان که انکار روایات و اخبار سنگسار وارده در بخاری و مسلم را قبیح شمرده و آن را ناپسند دانسته اند در حالی که نمی دانند قبل از ما دارقطنی قریب به صد روایت آن ها را منکر شده است و حتی ابن تیمیه و آلبانی نیز روایت هایی از آن ها را منکر شمرده لذا این سوال ها پاسخ میخواهد که امام بخاری چند حدیث را جمع آوری و از بین آنها چند چند حدیث را من حدیث ضحیح انتخاب کرد دلیل حذف باقیمانده چیست و دلیل تا ئید احادیث موجود چیست و اگر دلیل پیدا شود که با عث جرح و حذف حدیث شود اجازه است حذف شود و یا خیر و اینکه منبع تا ئید صحاح سته کدام مرجع است؟

11. : شیخ محمد ابوزهره که از فقیه ترین فقها به مدارس و مکاتب فقه اسلامی در سده بیستم است، مجازات سنگسار را منکر شده و آن را مجازاتی یهودی دانسته است نه اسلامی.. اگر روایت ابی ابن کعب را قبول کنیم که سوره احزاب به اندازه سوره بقره طولانی بوده از جمله آیه رجم جزء سوره احزاب بوده باید این سوال مطرح شود که باقیمانده سوره کجاست. چرا از بین همه تنها رجم را پیدا کرده اند؟ اگر این بخش خشن آنرا که رجم است ثابت بدانیم چرا قسمت های رحمت و شفقت و مهربانی حذف شده. این روایت مضطرب و سوال بر انگیز است.

12. حدیث فعلی پیامبر ص احتمال خصوصیت را دارد که مربوط به شخص پیامبر ص درست مثل تعدد ازواج النبی که در حق امت صدق نمیکند. و یا اینکه مسئله رجم درست مانند همین تعدد ازواج بود که بر حسب عادت و رسم قبل از اسلام اجازه بود هرچه زن در نکاح باشد که با نزول آیه فأنکحوا ما طاب لکم من النساء) نکاح یا ازدواج محدود شد. لذا رجم هم قبل از نزول آیه دوم سوره نور بر حسب رسم و رواج قبل از اسلام اجرا میشده و حتی پیامبر اسلام ص بر بنیاد همان رسم و رواج بدون تمایل و تشویق اجرا کردند ولی با نزول آیه جلد که مجازات زانی و زانیه را صد دره تعیین کرد دیگر حکم بر حسب رواج و یا شریعت ادیان سابق جواز ندارد.

معنی رجم از دیدگاه مخالفین مجازات (سنگسار)

از نظر مخالفین مجازات سنگسار معنی رجم تنها کشتن با پرتاب سنگ نیست بلکه این کلیمه در قرآن به چندین معنی آمده است مثلاً نفرت، دور کردن از محیط زندگی، زدن سنگ به قصد تهدید و اظهار بیزارى و تنفر نیز میباشد. که چندین بار در قرآن ذکر شده و در فر هنگ عمید نیز چندین معنی دارد که یکی کشتن است. متبافى اظهار نفرت زدن به سنگ بخاطر دور راندن. طرد کردن .

از مفهوم بسیاری آیات بر میاید که رجم زدن و دور کردن کسی از خود، از محیط زندگی و جامعه است. کسی را به سنگ زدن علامت تنفر نسبت به آن است که آنرا از خود دور کنیم نه اینکه بکشیم.. طور نمادین از بابت همه گناهان و زشتی ها و جنایت ها نفرت خود را بیان کنیم نه این که برای نفرت از یک گناه، خود به یک جنایت، آن هم سنگدلانه متوسل شویم. همچنان که رمی جمره ابراهیم نیز پرتاب سنگریزه به سوی شیطان به قصد راندن اش بود تا او را وسوسه نکند، نه این که از ترس هوای نفس با انجام قتل عملاً فریب شیطانی را خورده باشیم که اینبار در جامه شریعت و سنت و مذهب، ما را فریب می دهد و از فطرت الهی که همان وجدان ماست، دورمان سازد! به همین سبب، در قرآن نیز هیچ حد سنگساری برای هیچ جرم و گناهی سفارش نشده است، حتی برای مجاربه با خدا؛ و برای زناى محصنه نیز در ابتدا محبوس کردن در خانه و سپس تازیانه ذکر شده است. که در جایش ذکر شده است.

واژه رجم در آیات قرآن و معانی آن:

1- آیه 20 سوره دخان) وانی عذت بربی وربکم أن ترجمون» و من از شر این که سنگسارم کنید به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم». منظور از سنگسار درینجا طرد و دور راندن ویا هم زدن است با سنگ نه کشتن.

2 – آیه 91 سوره هود (قالوا یا شعیب ما نفقه کثیرا مما تقول وانا لنراک فینا ضعیفا ولو لا رهطک لرحمنک وما انت علینا بعزیز 91» گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می گویی در نمی یابیم و تو را در میان خود ناتوان می بینیم؛ و اگر خاندانت نبود، بی شک سنگسارت می کردیم و تو نزد ما عزیز نیستی». باز هم همان معنی ومفهوم که راندن است.

3— آیه 20 سوره کهف (إنهم إن یظہروا علیکم یرجموکم او یعیدو کم فی ملتہم ولن تفلحوا إذا ابدا آیه 20 سوره کهف «چرا که آنان اگر بر شما دست یابند، سنگسارتان می کنند یا شما را (به زور) به آیین خویش در می آورند و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد». دانسته میشود که وسیله زدن ساده هم سنگسار بوده که مفهومی طرد است نه کشتن.

4- آیه 46 سوره مریم) قال أراغب أنت عن آلهتیا ابراهیم لئن لم تنته لا رحمنک واهجرنی ملیا» گفت ای ابراهیم، آیا از خدایان من روی برمی تابی؟ اگر دست برداری سنگسارت می کنم و روزگاری دراز از من دور شو». .

5- آیه 18 سوره یس (قالوا إنا تطیرنا بکم لئن لم تنتهوا لنرحمنکم ولیمسنکم منا عذاب الیم- «گفتند ما به شما فال بد زده ایم، اگر دست بردارید، شما را سنگسار می کنیم، و از ما عذابی دردناک به شما می رسد».

6- آیه 116 سوره شعراء(قالوا لئن لم تنته یا نوح لتکو ن من المر جو مین «گفتند ای نوح، اگر دست برداری از سنگسار شدگان خواهی شد».

در تمام آیات قرآن کریم رجم مطابق محل واقعه وزمان معنی بخصوص خود را دارد مثلا زدن سنگ و دور کردن از ساحه اظهار تنفر. اگر فکر کنیم معنی رجم تنها کشتن است می بینیم که در قرآن اجرای این عمل زشت منسوب به کفار و مشرکین است که کشتن از طرف مشرکین و منکرین دین صورت گرفته یا اینکه انبیا خدا را به مرگ تهدید کرده اند نه اینکه یک مؤمن و مسلمان دست به کشتن خشن توسط سنگ شده در قرآن هیچ پیامبری و هیچ مسلمانی مأمور به زدن سنگ و یا کشتن کسی توسط سنگ نشده بلکه این پیامبران و منادیان راه حق اند که با عکس العمل کفار مثل زدن سنگ به قصد راندن و کشتن مواجه شده اند.

احسان از دید مخالفین حد رجم (سنگسار)

حاضر میان حد رجم برای احسان یک معنی قائل اند آنهم زن و مرد متأهل اما از نظر کسانیکه با مجازات سنگسار مخالف اند احسان چندین معنی دارد ، زن و مرد شوهر دار، عقیف و پاک دامن، آزاد ، ممنوعیت و مصونیت بخشیدن و حفظ کردن ، بنای مستحکم و غیرقابل نفوذ یا به معنای مکان مرتفع و نفوذناپذیر است. به همین مناسبت به مردان و زنان دارای همسر و زنان پاک دامن و عقیف که از آمیزش جنسی با دیگران خود را حفظ می کنند محصن و محصنه گفته می شود و نیز به زنان آزاد در مقابل کنیزان نیز گفته شده، زیرا آزادی آنها در حقیقت به منزله حریمی است که مانع دخالت دیگران در کارهای آنان می شود.

مصنویت: قرآن می‌فرماید صنعت زره سازی را به حضرت داوود (علیه السلام) یاد دادیم تا مردم، از خطرهای جنگ حفظ شوند: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحِصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ». قلعه محکم: در جای دیگر، از قلعه‌ها و دژهای مستحکم که یهود بر اثر ترس از جنگ در آن‌ها پناه می‌گرفتند، نام می‌برد: لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مَحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَّرَائِ جُدُرٍ...» و ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ». ...در این آیه، معنی احسان ازدواج با زنان شوهردار است احسان به معنی عفت و پاکدامنی: (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا؛ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود. «! »

«وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابِنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ؛ و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش) مسیح (را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم.

پاکدامنی: آیه ۳۳ سوره نور از واداشتن کنیزان به زنا برای کسب درآمد، نهی می‌کند و می‌گوید: اگر خود آنان میل به پاکدامنی دارند، فحشا را بر آنان تحمیل نکنید: «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَانَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا.

در آیه ۵ سوره مائده نیز «محصن» سه بار به همین معنا آمده است. «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۗ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ ۗ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ:

ترجمه: امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود. نقد. نظر.

حاضر هم غالباً زنان متهم را بجرم زنا سنگباران و مردان را فراری معرفی میکنند. حاکم میان حد رجم بخاطر درک بیشتر از مفهوم احسان هیچ گاهی از تعریف فقهی خود شان بیرون نیامدند فقط تا کید کردند که محصن و محصنه یعنی زن و مرد متاهل شوهر دار و زن دار. حتی یکنفر از کسانی که خود را عالم، مفسر قرآن و مرجع تقلید می‌شناسد، نیافتم که به معنی متداول آن اشاره ای کرده باشد فقط به معنی فقهی آن اشاره کرده اند که محصنه زن شوهردار میباشد. ولی همین بزرگواران که خود را امانتدار کلام خدا می‌دانند و فتوای دینی را در انحصار خود در آورده اند، در مورد سایر مسائل، انواع و اقسام معانی کلمات قرآنی و اشاره و کنایه و مجاز را در لغت عربی گفته اند و بعد هم به معنی فقهی و حقوقی اش رسیده اند، اما در مورد زنا محصنه چنین نکرده اند! فقط برسم احترام به عمل گذشتگان گفتند که محصنه همان زن شوهر دار وزنا کار است و مجازات شده می‌دانید چرا؟ چون با باورهای مألوف و مزاج های مرسوم شان سازگاری ندارد. باور منفی گرا و خشونت مزاج، باور تقدس خشک و مرد سالارانه عهد جا هلیت که در عصر حاضر هم غالباً زنان متهم را بجرم زنا سنگباران و مردان را فراری معرفی میکنند.

معنی محصنه در حد قذف. در آیات قذف هم محصنه به معنی عقیف و پاکدامن آمده است: آیاتی که به مجازات متهم کننده اشخاص پاکدامن پرداخته و قذف محسنه را مطرح کرده، دو آیه در سوره نور است. در آیه ۴ آمده: کسی که بدون آوردن ۴ شاهد، زن محصنه را به زنا متهم کند، سه حکم دارد. نخست آن که حد قذف (۸۰)

تازیانه) را بر او می‌زنند؛ دوم این که شهادتش پذیرفته نمی‌شود و سوم آن که به فسق محکوم می‌گردد: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ). و در آیه ۲۳ سوره نور، بار دیگر مسأله متهم سازی زنان پاکدامن که مؤمن و از آلودگی‌ها بی‌خبر هستند، مطرح شده و دوری متهم‌کنندگان از رحمت پروردگار و مواجهه آنان با عذاب را بیان کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.. قرآن می‌گوید: تصور نکنند که با این عمل می‌توانند از کیفر الهی دور بمانند. خدا آنان را از رحمت خویش دور می‌کند و در آخرت، کیفری سخت می‌دهد .

ناسازگاری مجازات سنگسار با آیات صریح قرآن در سوره نساء و نور.

اگر در قرآن شریف آیه یا حکمی در مورد مجازات زنا نمی‌یابیم به حدیث فعلی و عملکرد پیامبر اسلام و یا به روایت خلیفه دوم حضرت عمر استناد کرد. اما با موجودیت آیه صریح روایات آن هم خبر واحد اعتبار ندارد چون روایت عمر فاروق روایتی است که بشکل متواتر از پیامبر اسلام نقل نشده رجم با حدیث فعلی یعنی سنگسار ماعز بن مالک و چند یهودی تجسم یافته و هیچ تا کیدی بر اجرای این حکم بصورت قولی صورت نگرفته.. آنچه در قرآن وجود دارد اول مجازات حبس دوامدار زنان وادیت مردان تا سر حد توبه و اصلاح بوده اینجا شاید ایراد وارد شود که چرا قرآن حکم مجازات زنان زانیه را حبس ابد تا دم مرگ تعیین کرد واز مردان را در حد یک آزار وادیت و برائت با یک توبه؟. احتمالاً جواب این باشد که در صدر اسلام که فر هنگ مرد سالارانه حاکم بود ایجاب میکرد تا در بین مجازات مرد وزن تفاوت باشد ولی همینکه اسلام قوت گرفت با نزول آیه دوم سوره نور مجازات مرد وزن طور یکسان صد جلد یا تازیانه تعیین شد، درست مثل حرمت شراب که اول بطور قطع منع نشد و بعد ازینکه مسلمانان قوت گرفتند با امر قاطع (ینه رجس من عمل الشیطان فاجنبوه) ممنوع و حرام اعلان شد.. توجه نما ئید به آیات 15 و 16 سوره نساء . (وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا) «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا).

درباره آن دسته از زنانان که مرتکب فحشا (زنا) می‌شوند، پس باید چهار نفر را علیه آنان به شهادت گیرید. پس از آن که شاهدان شهادت دادند، زنان را در خانه حبس کنید تا آن که مرگ شان فرا رسد و یا خداوند راهی برای ایشان قرار دهد.(یعنی حکم روشنی درین زمینه نازل شود مانند آیه 2 سوره نور.

و درباره مردانی از شما که مرتکب فحشا (زنا) می‌شوند، پس آنان را آزار دهید. اگر توبه کردند و اصلاح شدند، پس از ایشان دست بردارید که خداوند توبه پذیر و مهربان است....توضیح معنی کلیمه فحشا در اینجا به معنی زنا است بخاطر اینکه خداوند ج در آیه 32 سوره اسراه اینچنین میفر ماید: وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا ۖ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) به انجام عمل زنا نزدیک نشوید چون زنا فاحشه وراه نهایت زشت است. بعد از صدور این حکم اسلام به مرحله قوی تری قدم گذاشت واحکام را روشن وقاطع صادر کرد.مانند آیه 2 سوره نور: حکم روشن وواضح در آیه دوم سوره نور حکم زانی و زانیه اینگونه بیان شد « الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْسَ هَذَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةً

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. «درباره زن و مرد زناکار، پس هر یک را صد دره زیند و در دین خدا نسبت به آنان رأفت روا مدارید و گروهی از مؤمنان را بر مجازات ایشان شاهد بگیرید. آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشِهْدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/2) با حد رجم ناسازگار است چرا که در آیه شریفه، حد زنا شلاق است و این حد برخلاف رجم، سبب مرگ زنا کار نمی شود. آیه جلد خیلی واضح و روشن است در مورد رجم چنین حکمی روشنی اصلا و کود ندارد که در قرآن موجود باشد دوم توجیه محصن در روایت عمر فاروق و غیر محصن در آیه دوم سوره نوری تکلف اجتهادی است. وهم مقایسه یک روایت بشری با وحی صریح الهی است.

نقد بر روایت عمر فاروق: اگر واقعیت این بود که آیه شیخ و شیخوخه جزء از سوره احزاب در قرآن بود چرا پیامبر اسلام در حیات شان از آن یاد آوری نکردند و چرا حضرت ابوبکر صدیق از وجود چنین آیت که در بکس دخترش عا نشه ام المومنین بوده پرده بر نداشت. و چرا حضرت عثمان روایت عمر فاروق را من حیث آیه قرآن جمع آوری قرآن آنرا در کنار آیات سوره نور تنظیم و تدوین نکرد؟

سنگسار نصف نمیشود:

مجازات سنگسار با مفهوم آیات دیگر قرآن که مجازات کنیز را نیه را نصف مجازات زن آزاد قرار داده در تضاد است و حتی اگر مفهوم محصن را شوهر دار و غیر محصنه را بی شوهر بگیریم باز هم با فتوای حامیان مجازات سنگسار متفاوت است.. کسا نیکه با حکم سنگسار مخالف اند استدلال میکنند که در برخی آیات که مجازات کنیز زانی را نصف مجازات محصنه آزاد گفته است که با سنگسار نا سازگار است چون سنگسار قابل نصف نیست. مثلا قسمت اخیر آیه 25 سوره نساء «فَإِذَا أَحْصِنَّ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء/25) ترجمه: چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر زند بر آنها نصف عذاب (یعنی حد) زنان پارسای آزاد است. این حکم درباره کسی است که بترسد مبادا به رنج افتد، و صبر کردن برای شما بهتر است، و خدا بخشنده و مهربان است.)

آیه فوق حد محصن آزاد را دو برابر حد کنیز محصن یاد می کند، مجازات که قابل تقسیم و نصف است تازیانه است نه سنگسار اگر حکم زانی محصن رجم باشد حکم غیر محصن نیمی از رجم خواهد بود! (شیخ طوسی، 172/3) شافعی نیز به همین دلیل سنگسار را بر نمی پذیرد. (شافعی، 533)

همچنان با استناد به آیه یاد شده و آیه شریفه « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب/30) از ناسازگاری سنگسار با آیات قرآن سخن می گوید. دو برابر بودن حد زنا در آیه شریفه، با مجازات سازگار است که در خور دو برابر بودن باشد در صورتی که سنگسار حدی نیست که بتوان حکم به تنصیف یا دو برابر شدن آن کرد. پس نمی توان حکم به نیمی از حد سنگسار در مورد غیر محصن داد و حکم به دو چندان سنگسار در مورد همسران پیامبر(ص) نمود اما اگر حد زانی صد تازیانه باشد این حد در خور کاهش و افزایش است و می توان غیر محصن را پنجاه تازیانه و محصن را صد تازیانه زد و یا بر اساس آیه « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ...» همسر پیامبر(ص) را دو صد تازیانه و غیر محصن را پنجاه تازیانه زد) . منبع : عقوبه الرجم تتناقض مع تشريع القرآن و الاسلام،

نگاهی به مفهوم آیات دیگر.

در شماری از آیات قرآن از توبه، ایمان، عمل صالح زنا کار، حرمت تزویج زانی و زانیه، اخراج از منزل و ... سخن گفته شده است: « يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَاتًا إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا... » (فرقان/69-70) « الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ... » (نور/3) بر این اساس، میان سنگسار و آیات یاد شده ناسازگاری رخ می دهد چه اینکه با سنگسار زنا کار که با عث مرگ آن میشود هیچ محلی برای احکام یاد شده باقی نخواهد ماند. چون در رجم که به معنی کشتن است دیگر چانس برای زانی وزانیه نیست که با یکدیگر ازدواج کنند.. منبع (عقوبه الرجم تتناقض مع تشریح والقرآن..

ناسازگاری رجم با سنت پیامبر(ص)

بررسی روایات نشان می دهد که رجم با سنت پیامبر(ص) نیز سازگار نیست چون پیامبر بخاطر اینکه گروهی ماعز اسلمی را پس از فرار از رجم، دستگیر کرده و به قتل رساندند، اندوهگین شد گفت تعجب میکنم که شما آنرا بعد از فرار تعقیب کردین . گذشته از آن حضرت محمد ص پیش از آغاز رجم، به اعترافات ماعز واقعی نمی نهاد اما وقتی اصرار بیش از حد ماعز را دید و چهار بار اعتراف او را شنید از وی پرسش هایی کرد تا شاید راه فراری برایش باز شود اما هنگامی که پاسخ های اسلمی، زانی او را اثبات کرد پیامبر(ص) دستور رجم او را صادر فرمود. (فقه الحدود و التعزیرات، 192/)

مبحث چهارم مقایسه دیدگاه ها و نتیجه گیری

وفور شبهه در حد رجم : در احکام فقهی بخاطر عملی ساختن حدود یک اصل است و آن اینکه در اثباتش شبهه وجود نداشته باشد در حالیکه در مسئله حد رجم در مراحل و امور مربوطه شبهه است مثلا در دلائل اثبات شبهه است. یعنی روایات رجم مورد سوال است که در قرآن نیست، اینکه چرا پیامبر نگفت آیه رجم نازل شده، چرا حضرت عثمان خلیفه سوم که بعد از حضرت عمر فاروق قرآن را جمع و تدوین کرد آیه رجم را شامل قرآن نساخت و اگر لفظ آیه رجم منسوخ است به کدام دلیل؟ و اینکه روایات خلیفه دوم و عائشه ام المؤمنین با آیات صریح قرآن که مجازات زانی را نخست حبس و اذیت و سپس صد تازیانه تعیین کرده تناقض دارد و حتی با حدیث فعلی پیامبر اسلام تناقض دارد چون پیامبر ص هم گاهی نگفت . مثلا نگفت آیه رجم نازل شده نزد من است. نه خیر هیچ حدیث قولی از پیامبر اسلام در مورد جاری ساختن حد رجم وجود ندارد بلکه با بی علاقگی مطابق حکم تورات رجم را بر یهودیان آن زمان جاری ساخت. لذا در حد رجم به پیمانیه زیاد شبهه و تردید وجود دارد که نمیشود به آسانی آنرا یک فریضه خواند. حدیث فعلی جنبه تعمیم ندارد و آنچه منبع تشریح عام است حکم صریح و حدیث قولی پیامبر ص است.

لذا حد رجم از حدودیست که علاوه بر مسائل دیگر در دلائل اثبات آن نیز اختلاف است حتی در مفهوم کلیات چون رجم واحسان دیدگاه واحد وجود ندارد. لذا فرضیه مجازات زنا حدیست که از رهگذر دلیل اثبات، مشبهه و از رهگذر فهم کلیات مشکوک و از منظر شرائط اثبات بحد نا ممکن است. پس چطور ممکن است من حیث یک فریضه قابل اجرا باشد؟. مگر چنین نیست که مسلمانان از اول تحت تاثیر روایت حضرت عمر قرار گرفتند و بناء به حرمت خلیفه اصل آیات قرآن و روایات های قولی پیامبر و حتی بی اعتنائی و عدم علاقه ایشان را در تطبیق حکم رجم بر ماعز بن مالک پشت سر گذاشته اند. در رجم نه تنها که در اثباتش اشکال وجود دارد در مورد خود دلیل اثبات هم ابهام و اختلاف وجود دارد این در حالیست که پیامبر اسلام بروایت عبدالله ابن عباس فرموده حدود را با شبهات دفع کنید. **في مسند أبي حنيفة للحارثي حديث رواه عبدالله بن عباس عن الرسول ﷺ: ادرؤوا الحدود بالشبهات**

نتیجه گیری :

از مطالعه مباحث که طور تفصیلی درباره حکم سنگسار داشتیم به طور فشرده نتایج ذیل را می توان گرفت: از صراحت آیات قرآن نتیجه میگیریم که سنگسار مجال برای تطبیق ندارد چون مجازات زنا در آیات صریح قرآن جلد و یا تازیانه است وقتی در مورد یک حکم شرعی آیات قرآن حکم صریح دارد روایات و اجتهاد را باید کنار گذاشت.

2- فقاقت در حدود هم حکم میکند تا سنگسار را کنار بگذاریم چون سنگسار حد یست در بین موج از شبهات. در مورد دلیل اثبات حد رجم یا مجازات سنگسار بین علما اختلاف وجود دارد که همین اختلاف دلیل روشنی است بر وجود شبهه در دلیل اثبات. لذا اگر در شیوه اثبات شبهه باشد حدود جاری نمیشود و اگر در دلیل اثبات شک و تردید وجود داشته باشد بطریق اولی حد ساقط میگردد. مثلا نخستین حکم مجازات زانی حبس زنان تا دم مرگ و آزار مردان تا پیشیمانی و توبه است. آیه 15 و 16 سوره نساء. وبعد آیه دوم سوره نور بطور صریح مجازات زنا را بعد از اثبات شرعی تازیانه گفته است. لذا مجازات سنگسار در اسلام یک فریضه نیست.

3- در آیه که مجازات را تازیانه تعیین کرده از لحاظ حکم فرقی میان محصن و محصنه بیان نشده است. لذا توجیهات فقهی بخاطر هموار کردن راه به روایت عمر فاروق صورت گرفته که از چندین رهگذر قابل ملاحظه و باز نگری است. از احتمال به دور نیست که رسمیت بخشیدن به حکم رجم در دوره خلافت عمر بن خطاب انگیزه ها و جنبه سیاسی داشته و مسلمانها بحکم احترام به امیر و یا خلیفه در زمینه سکوت کردند و این سکوت به روایت عمر فاروق رسمیت بخشید، چون دلائل مخالفین مجازات سنگسار از معانی رجم و احسان شروع، تا موجودیت آیات صریح، مجازات زانی و زانیه و اینکه سنگسار قابل تنصیف نیست همه دلالت بر این دارد که دلائل مخالفین نسبت به موافقین خیلی مسدل تر منطقی تر و قویتر است. که فرضیت مجازات سنگسار را کاملا منتفی میسازد.

4- خبر مربوط به سنگسار مرد و زن یهودی به جرم زنا محصنه از نظر علم تاریخ فقط نشانگر آن است که تا آن وقت حکم صریح درین مورد نازل نشده بود و پیامبر اسلام درباره آنان طبق شریعت خودشان حکم صادر کرده است و به معنای پذیرش مشروعیت آن در اسلام نمی باشد. چون نزول آیه دوم سوره نور درین مورد رفع ابهام میکند که در اسلام مجازات سنگسار و یا حد رجم نیست.

5- مجازات سنگسار من حیث یک روش خشن و بدوی با روح دین اسلام که دین رأفت و شفقت است و مقام رسالت که رحمت للعلمین است با روح مدنیت در تضاد بوده و من حیث حد شرعی از منظر دلائل اثبات دچار شبهه و اضطراب و اختلاف است که بر اساس فرموده پیامبر اسلام که (أدرءوالحدود بالشبهات) در جایگاه حد شرعی قابل تطبیق نمی است. به همین تر تریب از رهگذر اثبات جرم که اساس شهادت چهار شاهد رانی العین دخول و خروج را شهادت دهند و یا کسی بر خود چهار مرتبه اعتراف کند و قاضی مانند پیامبر اسلام رد کندوبی اعتنا باشد مجال برای اثبات جرم باقی نمیگذارد.

منابع: درین تحقیق به منابع اجتهادی گذشته تکیه نشده بلکه دیدگاه ها گذشته باز نگری شده. اگر قرار باشد منبع و مراجع گذشته کافی میبود نیازی به وا کاوی قضیه نبود. لذا نویسنده از لا بلای دیدگا ها و نظر نویسندگان و مفاهم واقعی و منطقی روز دیدگاه خود را باز تاب داده .. که گویا رجم در اسلام یک حد شرعی نیست

ومیدان برای تطبیق ندارد و تا این دم بسیاری از مسلمانان بر حسب احترام به خلیفه دوم اسلام رجم را شعار داده اند درست مثل بیست رکعت نماز تراویح که حکم خلیفه دوم است.

:# پژوهشهای قرآنی 1387 شماره 53 ویژه نامه تفاسیر معاصر محمد بهرامی

ملاحظانه بیست گانه محمد مختار شنقیطی .

قرآنکریم

سوره نور

سور [احزاب.

سوره نساء

تفسیر نمونه.